

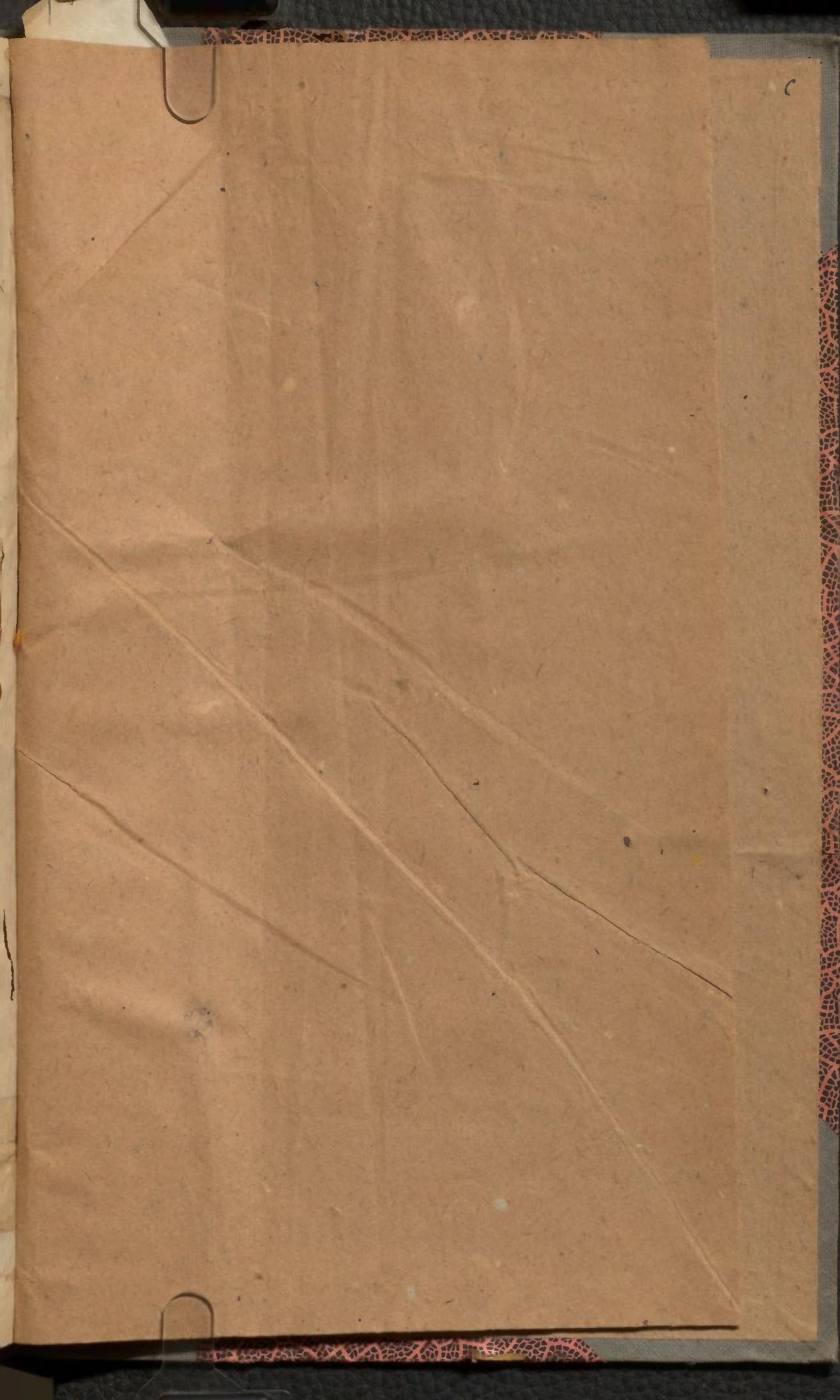
185

c

4120824

185. Asidathell-Burda

(Religious poetry).



1785

Luciano
25.5.17
101

القنوت اربعة اشياء التوضيح
عند الدلالة والعقود عند الفلك
والنصحة عند العداوة والعطف
لغير المنته فالامر الحبل عند التماس
اربعه الاول البيت والثاني الحزن والثالث
الدين والقان درهم والثالث السفر
انكسرت فرسخا والرابع الرقبه المخالف
انكسرت حظه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمِنْ تَدَجُّرِ حَبْرَانِ بَدِي سَلَمٍ
شرح کاین شرح و در خطاب میکند بنفس خود که آیا باید که در این سخن
و مسایک آن که موضع ذی سلم که نام در ضی است در با و در بعضی
اسک چشم خود را که به آن شده است از مقله سخن منجی زیاد
صحبت با رانت اندر ذی سلم اسب چشم منجی تا چون روان
الذکر با و آوردن الجار مسایه الجران جمع ذو و ذو ذی صاحب
السم غار و است در با و به المرح ایمنین المرح اسب اللوح
مَرَجَتْ دَمْعًا جَرِيًّا مَقْلَةً بَدِي

بسم الله الرحمن الرحيم
شرح کاین شرح و در خطاب میکند بنفس خود که آیا باید که در این سخن
و مسایک آن که موضع ذی سلم که نام در ضی است در با و در بعضی
اسک چشم خود را که به آن شده است از مقله سخن منجی زیاد
صحبت با رانت اندر ذی سلم اسب چشم منجی تا چون روان
الذکر با و آوردن الجار مسایه الجران جمع ذو و ذو ذی صاحب
السم غار و است در با و به المرح ایمنین المرح اسب اللوح
مَرَجَتْ دَمْعًا جَرِيًّا مَقْلَةً بَدِي

بازدود او عادل او در بهر چه
در است که در هر چه که در
بازدود او عادل او در بهر چه
در است که در هر چه که در

بِهْ عَلَيْكَ عَذْرُوكَ اللَّامِعِ وَالسَّقَمِ
القول کواه راست و العذول جمع الوم شک القم بهار و القم

و نیت ثابت کرد جان
عشق و خط آب
دیده و در آن که از
لاغر و او در آن

وَأَثَبْتَ الْوَجْدَ خَطِيئَةَ عَيْرَةٍ وَضَنِي

الانبات ثابت کرد اندون الوجد اندو بکن مشن خطی تنبه خط مروت
العیرة یعنی اشک البغنی لا مغزی

بازدود او عادل او در بهر چه
در است که در هر چه که در
بازدود او عادل او در بهر چه
در است که در هر چه که در

مِثْلَ لَيْلِهَا رَعَى خَدَّيْكَ وَالنَّعْمِ

البهار کلنت لغایت زرد و آرزو گاه و من که منبذ خرد خنجره را
کو منبذ العزم و منبذ است که منبذ آن لغایت نازک
و سه و رنگت و منبذ کلان منبذ بان منبذ چون
بکما سرخ کرده باشند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

از منتهی قبول کسب نفعی
بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن
از منتهی قبول کسب نفعی
بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن
از منتهی قبول کسب نفعی
بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن

مَنْ يَلِيكَ وَلَوْ أَنْصَفْتَ لَمْ تَكْمُرْ
الا نصف يد اور سيدن

تجارت کند صاحب عملی است
بنویسند بجهت او ملک که
کسالت آن بختی است

عَدَّتْ حَالِي لَأَسْتَرِي وَمَعْسَتِرٌ
العدد در گذشتن و سرایت کردن
السر استرانی است که بگوید
بشود

بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن
از منتهی قبول کسب نفعی
بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن
از منتهی قبول کسب نفعی
بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن

از منتهی قبول کسب نفعی
بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن
از منتهی قبول کسب نفعی
بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن

عَنْ الْوَشَاةِ وَكَأَدَائِي مُحَمَّدٍ
الکسب نفعی که در آنجا در وقتیکه در آن

از منتهی قبول کسب نفعی
بسیار از آن در صورتی که
در آنجا در وقتیکه در آن

وَالشَّيْبُ الْعَدُوُّ لِنَفْسٍ مِنَ النَّفْسِ
وَالشَّيْبُ الْعَدُوُّ لِنَفْسٍ مِنَ النَّفْسِ

بمعنی بدست می آید
بمعنی بدست می آید

فَاتَّامَرْتُ بِالسُّوءِ مَا اتَّعَظْتُ

الامر و مردن
اکسوی بدی
الانماط بنظر نفس

بمعنی بدستی که نفس بد فرمای من بند پذیر نشد از نادانی خود بهم کردن
بمعنی نصیحت میری که ادا از تهمت و عرض خالی است نفس اما بهر شیب
و از طبیعت خود کرد بد رویی با اللطیف بناورد و بر نفسی که کار از اجکونه نشود

بمعنی بدستی که نفس بد فرمای من بند پذیر نشد از نادانی خود بهم کردن
بمعنی نصیحت میری که ادا از تهمت و عرض خالی است نفس اما بهر شیب
و از طبیعت خود کرد بد رویی با اللطیف بناورد و بر نفسی که کار از اجکونه نشود

مِنْ جَهْلِهَا بَدَأَ الشَّيْبُ وَالْمَرَأَةَ

بمعنی نادان بودن بخشن و اندازة بهم کردن
الشَّيْبُ مَرَأَةَ الْمَرْءِ

تا

سید ابانده
زیر در فضی
خوب کلام

وَلَا أَعَدَّتْ مِنَ الْفِعْلِ الْجَمِيلِ قَرِي

الاصحاح آماده کردن الفعل کردن اجمال خوب شدن القوی معانی کردن

نوعی از آن و مانند فعل است که اگر کسی بگوید خدایت
معانی از آن که از آنجا که در آن است و در آن است
و است از آنجا که در آن است و در آن است
که آن بر آن است و در آن است
و نقل آن را در آن است و در آن است
اعمال حاصله پیش او نهادن

سازگار از آن است و در آن است
و در آن است و در آن است
و در آن است و در آن است
و در آن است و در آن است
و در آن است و در آن است
و در آن است و در آن است

ضَيْفٌ لِّمَنْ أَسِي غَيْرُ مُحْتَسِبٍ

المخفف همان الایضی فی الامام زود الامتثال از کسی نترسد از آن است
آمدن

سید ابانده
زیر در فضی
خوب کلام

لَوْ كُنْتُ عَلِمْتُ أَنِّي مَأْوِيَةٌ

الكون بودن به العلم دانستن
الو تفریز کردن

الحمد لله

حُبُّ الرِّضَاعِ وَإِنْ تَقَطَّ يَنْقَطُ
دولتی الرضاع وارضاعه بر آوردن
القطر از شیر مادران
از خطه
شدن

ببین نقصان از زردی
ببین نقصان از زردی
ببین نقصان از زردی

فَأَصْرَفَ هَوِيَّهَا وَحَادَ إِزْ تَوَلَّيْتُهَا
العرفه و انجمن الهوی آرزو
القولیه خاتم
کرد از زردی
القولیه خاتم
شدن

ببین نقصان از زردی
ببین نقصان از زردی
ببین نقصان از زردی

إِنَّ الْهَوِيَ مَا تَوَلَّى يَضْمُ أَوْ يَضِمُّ
الاصحاب و انجمن هوی
القولیه خاتم
کرد از زردی
القولیه خاتم
شدن

و ما اعلم

١٤
١٤

سین باب
بجانب
بجانب

وَأَسْتَفْرِغِ الدَّمْعَ مِنْ عَيْنَيْكَ قَدِ امْتَدَّ
الاستغفار المثلج

وَأَقْدِمِ عَلَى
وَأَقْدِمِ عَلَى
وَأَقْدِمِ عَلَى

از عصاره
از عصاره
از عصاره

مِنَ الْمَحَارِمِ وَالزَّمِيمَةِ النَّدَمِ
الحرم الامم والمحرمة

بجانب
بجانب
بجانب

بجانب
بجانب
بجانب

وَيُخَالِفُ النَّفْسَ وَالشَّيْطَانَ وَأَعْصِمَا
بجانب

تو که در این دنیا و آن دنیا
بسیار کار کردی و بسیار
بسیار کار کردی و بسیار
بسیار کار کردی و بسیار

وَمَا اسْتَقَمْتُ فَمَا قَوْلِي لَكَ اسْتَقِم

و اما استقامت من چه است ایستقامت تو را در کار خود

وَمَا اسْتَقَمْتُ فَمَا قَوْلِي لَكَ اسْتَقِم

وَلَا تَزُوْدْتُ قَبْلَ الْمَوْتِ نَافِلَةً

و من زودت پیش از مرگ نافع

و ان الله اعلم
بما تعملون

باینکه تو که در این دنیا و آن دنیا
بسیار کار کردی و بسیار
بسیار کار کردی و بسیار
بسیار کار کردی و بسیار

وَمَا اسْتَقَمْتُ فَمَا قَوْلِي لَكَ اسْتَقِم

وَلَمْ أُصَلِّ سِوَى فَرْضٍ لَمْ أَحْمِمْ

و من صلواتی را جز واجب نکرده ام
و نمازهای غیر واجب را نکرده ام

بن ایجا برسد این درود بخواند و حاجت بخوابد اللهم صل علی محمد عبدك
وحبیبتك ورسولك النبی الامی العربی الحرمی وعلی اله واصحابه
وبارك وسلم اللهم بحجرت مدح حبیبك و بحجرت حبیبك و علی الله

تعمیر
غلبه والله وسلم
انقض حاجت

ظلمت سنة من احي الظلام الي
سم کردن

انست زنده کرد ناریک

الظلمه من انقض حاجت
بروز من گشت زنده
کبار زنده کرد
الاجرا زنده و کله دن
القدر زنده الیوم
القدر زنده الیوم
تغایب من کله دن
کریک با ورسیده
بهر در جنت حذران
بهر در جنت حذران
دوام کلامت نمود

بیت
دوقدم سارک
از بنور از نور آس
حاکم و علم
خبر اسل
یا اولوی دوم

ان اشتکت قدما الفرس
تشنه فرم کزین آس

تشنه فرم کزین آس

انست نور از نور
الطیور و من
الانوار
و در کمال
خود را
و از کمال

و شد من احشاء و طیور
بهر کمال
در همه

بهر کمال در همه

تحت الحجاره كشم امشرف الادم
 بزج شرمه به و تپكاه نازك بولت

وسراودت الجبال لشم من ذره
 از كج خروا من كوهها بلند از رخ

عز نفسه فان احب الهم اشهم
 از من كج بی نمود كرام بلندتران
 و كرام

المراوده از رخ خروا من كوهها و اجبال و
 الشم مع الهم من ذره من ذره
 الابراره نمودن آقا و انما كرام الشم
 مني و در تو كوت كو به بلند از از بود
 اخف من على العلي و هم از نفس او بن بود
 اخف من هم ان كوهها را چگونه بلند
 مني كج بال ان القات شود
 و در نظر نیاورد

تحت الحجاره كشم امشرف الادم
 بزج شرمه به و تپكاه نازك بولت

بگو کرد
خزونه نقد
از سوره زهد او را

وَالَّذِي زُهْدَةٌ فِيهَا ضَرْفٌ
انوار بیاغبی

ان کسب و کار در ان از سوره زهد او را
الفردی بجز ان العصب مع انوار
العصبه کما یکنون العصب مع انوار
انفست انهم در ان مجال افطار او را
خزونه نقد و ان غلبه بر عصبه
یعنی خزونه نقد و ان غلبه بر عصبه
خزونه و حاجت او نیستند
در دنیا زاده و دنیا نیستند
کما قلت انما انزلت ان یسئلوا
نمودن همان که

ان الضروة لا تقدر على العزم
بنازوت که بود از خزونه
بنازوت که بود از خزونه
بنازوت که بود از خزونه
بنازوت که بود از خزونه

کيف حكمة الوعد والذم
الفردی بجز ان العصب مع انوار
انما انزلت ان یسئلوا
نمودن همان که

وَكَيْفَ تَدْعُو إِلَى الدُّنْيَا وَمِنْ
خزونه خواندن

نَبِيْنَا الْأَمْرُ النَّاهِي فَلَا أَحَدًا
بمقام از روز خود باز دارند و بی نیت پاک

نیکو در گفتن
قول بلند با نیت
از بی نیت در گفتن
از باری که حق را
و نیت و روان شعر
از بی نیت در گفتن
از بی نیت در گفتن
از بی نیت در گفتن

أَبْرَأُ قَوْلَ لَآئِمَةٍ وَلَا نَعْمَ
از بی نیت در گفتن از بی نیت در گفتن

هُوَ الْحَسْبُ الَّذِي تَرْتَجَاهُ شَاعَتَهُ
اولست در وقت آنکه آید از نیت نفاقت او

این نیت فرمودن از روز خود و نیت پاک
الاصحی البرکت کردن بکنند و نیت پاک
انقول گفتن نیت پاک
بکس است که از روز خود نیت پاک
نیت پاک و نیت پاک

و نیت پاک و نیت پاک
کلیم و نیت پاک
در نیت پاک و نیت پاک
صعب که نیت پاک
نیت پاک و نیت پاک

یعنی قانت است آن حبیب
 سابق بر اوقات خاندان نبوت در صورت
 ظاهر و در صورت باطنی که عبارت از اصدق
 الهی است
فَاِنَّ النَّبِيَّ فِي خَلْقٍ وَفِي خُلُقٍ
 الهی و در کلمات از کلمات الهی و غیر
 پیرایه و صوفی
 خیز و برت

و بیست و نهمین آیه
 از ان که در کلام با او
 در علم و کرم
 بیعت و در خلق و در خلق آمده
 پس از او اندر در اصف و
 کرم در علم و کرم
وَلَمْ يَدْنُوهُ فِي عِلْمٍ وَلَا كَرَمٍ
 الهی و نزدیکی
 دانش
 از ما
 تا که بداند و در علم الهی

که در علم و کرم الهی است
 از ان که در کلام با او
 در علم و کرم
 بیعت و در خلق و در خلق آمده
 پس از او اندر در اصف و
 کرم در علم و کرم
 و بیست و نهمین آیه
 از ان که در کلام با او
 در علم و کرم
 بیعت و در خلق و در خلق آمده
 پس از او اندر در اصف و
 کرم در علم و کرم
وَلَمْ يَدْنُوهُ فِي عِلْمٍ وَلَا كَرَمٍ
 الهی و نزدیکی
 دانش
 از ما
 تا که بداند و در علم الهی

و بیست و نهمین آیه
 از ان که در کلام با او
 در علم و کرم
 بیعت و در خلق و در خلق آمده
 پس از او اندر در اصف و
 کرم در علم و کرم
وَلَمْ يَدْنُوهُ فِي عِلْمٍ وَلَا كَرَمٍ
 الهی و نزدیکی
 دانش
 از ما
 تا که بداند و در علم الهی

وزان آن
سوز تپش
سوز تپش
سوز تپش

فَهُوَ الَّذِي تَتَمَّعْنَا بِصُورَتِهِ
او آنست تمام

منفرد و انحصاری خود است و منبع همه خیرات و برکتهاست
و منبع در کلمات خداوند است بطوریکه در اصطلاح کلامی
و کتب تفسیر آمده است که در این کلمات
باید از آن بزرگوار نام برد و در کلمات او
صورت و سوز و دلگشا که او را در کلمات او
کریم است و در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او
فانی شدن او بر او است و در کلمات او
حضور و سوز و دلگشا که او را در کلمات او
تتمتع از آنست از تپش و سوز و دلگشا که او را در کلمات او
مطلوب است و در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او
بر صورت او و در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او
تکمیل و سوز و دلگشا که او را در کلمات او
که کلمات او در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او
چون او را در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او

سین از آن
بزرگوار است
روح او را بگوید
روح او را بگوید
روح او را بگوید
روح او را بگوید

لَمْ نَخْطَفْهَا مِنْ حَبِيبٍ بَارِي السَّمِ
این بر گرفته است
دوست از دیگران
باو

آن در آنست
سوز تپش
سوز تپش
سوز تپش

مَنْزِلَةً عَنْ شَرِيكَ فِي مَحَاسِنِهِ
از آنست
اینست
سوز تپش

المنفرد و انحصاری خود است و منبع همه خیرات و برکتهاست
و منبع در کلمات خداوند است بطوریکه در اصطلاح کلامی
و کتب تفسیر آمده است که در این کلمات
باید از آن بزرگوار نام برد و در کلمات او
صورت و سوز و دلگشا که او را در کلمات او
کریم است و در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او
فانی شدن او بر او است و در کلمات او
حضور و سوز و دلگشا که او را در کلمات او
تتمتع از آنست از تپش و سوز و دلگشا که او را در کلمات او
مطلوب است و در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او
بر صورت او و در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او
تکمیل و سوز و دلگشا که او را در کلمات او
که کلمات او در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او
چون او را در کلمات او بر اینهاست که او را در کلمات او

بسم الله الرحمن الرحيم
 غفر لطيفاً عن سيئاتهم
 نعم او شرفاً من ربهم
 انواراً من نور
 جوهراً من جواهر
 جوهراً الحسن فيه غير منقسم
 بل صفة
 درو نیز همه شده

بگذارد آنچه را در صورت
 بگذار در آن قول است
 با او نیست غفر لطيفاً
 دع ما ادعته النصارى في بينهم
 بگذار چیزی را دور کرد او را
 قوم نصرانی در حق پیغمبر خود

دع ما ادعته النصارى
 به نصاریان و احد نصرانی
 مراد قوم حضرت علی است
 البتة بنو حکم اقام او را در آن
 المنة تواتر

و احکم بما شئت من حافیه و احکم
 حکم کنیز
 بجز که خواهر از پیش درود و توراتین

والتسبیح

حَدُّ فَيُعْرَبُ عَنْهُ نَاطِقٌ فِيهِ

نباخته به همان کبر از او خواننده بزبان

سین اسید کرم
در روان با کمان
علیه نظر العلوان
از کرم نقره
سینه ایجا ملامت

فَبَلِّغِ الْعِلْمَ فِيهِ إِنَّهُ بَشَرٌ

البیون و البلیغ رسیدن العلم
دانشن العیون و العیون
الکلام و العیون
حضرت صلیم صورت زینت
و کسوز بهرین خلقی
حقیقت ذات و صفات جمال
و کعبت جاه و جلال او در حضرت
عشیره کسور اباد و آن راه

و از برین که از آن
نباخته به همان کبر
از او خواننده بزبان
سینه ایجا ملامت
و کسوز بهرین خلقی
حقیقت ذات و صفات جمال
و کعبت جاه و جلال او در حضرت
عشیره کسور اباد و آن راه

وَأِنَّهُ خَيْرٌ خَلَقَ اللَّهُ كَالْهَمِ

لَوْ نَسَبْنَا

در وقت غنیمت
آیات و معجزات او

لَوْ نَأْسَبُ قَدْرَهُ آيَاتُهُ عَظِيمًا
بهاره حج آیه

بسی زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات
زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات
زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات
زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات
زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات

و در وقت غنیمت از آن معجزات
زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات
زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات
زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات
زیاده است که در وقت غنیمت از آن معجزات

أَخِي اسْمُهُ حِينَ يُدْعَى أَسْرًا لِيَوْمِ
الاحزاب زنده گرداننده نام وقت خوانده شود بر سره آنخوان

عاقبت او پس از آن وقت غنیمت
سوال عقل تا در وقت غنیمت
عاقبت او پس از آن وقت غنیمت
سوال عقل تا در وقت غنیمت
عاقبت او پس از آن وقت غنیمت

حَارَتْ عُقُولُ لَوْ كُنْتُمْ فَخْلًا
چنانکه عقده خلق در حقیقت

فِيهِ عِبَارَاتُهَا التَّعْبِيرُ الْحَمِيمُ
در بیان حجابین

فَمَا رَأَيْتُ بَعِيدًا مِنْ حَقَائِقِهَا
بی نیکی ندیدم دور از حقیقت

بی ندیدم منحصراً
از حقیقتها و عبارات نزدیک
سوره آن خطاب عبارت بی غی عالم
عبارت دور است از نزدیک

وَلَا قَرِيبًا إِلَيْهَا غَيْرُ مَنْعٍ
و نه نزدیک بود او مانع

که

وگفته در این
دوینا حقیقت ذات
انقضت را صلح
تا آن که کردار و

وکیف یذکر فی الدنیا حقیقت
حکمته در یافته شو در دین استوار

تصنیف استی از جبرالتیغ و غیر
تاریخ و اندوه حکم ذات استوار

تو که در خواب دیده است
خواب و غم از کف صلح
خواب و غم از کف صلح
خواب و غم از کف صلح

تا اینجا رسیده بعد از آن که
فوائد فی العلم فی این کتاب

قوم نیامر تسلوا عنه بالحلم
اگر که در خواب غم می شود از خواب دور

ادای حق از بی غلطی و در آن
ادای حق از بی غلطی و در آن
ادای حق از بی غلطی و در آن
ادای حق از بی غلطی و در آن

و هر چه که در این
رسولان کرام
آن نبوت را

وکل ای ای الرسل لکرام بها

و هر چه که در این
رسولان کرام
آن نبوت را

فَانَّمَا اتَّصَلَتْ مِنْ تَوْجِيهِ بِهِ

فَانَّمَا شَمْسُ فَضْلِ هُمَا كَوَاكِبُهُمَا

يُظْهِرُ انْتِزَاعَ النَّاسِ فِي الظُّلَمِ

اگر کسی شایسته را که کتب و الاطراف را از او
القدر تا در کمال الطمان و الظلم و غیره
که آنحضرت صلوات الله علیه در این باره
بدرستی و نوال پیوسته است و در این باره
نورانی است در ظهور او و فضل و عبادت
سزا که در کتب و کتب و کتب و کتب و کتب
منه و مندی و چون از او میگویند و چون
و نور سزا که از او میگویند و چون
تألف می باشد که در کتب و کتب و کتب
سعادتی است که در کتب و کتب و کتب
و منزه بود و چون از او میگویند و چون
اوطاف است که در کتب و کتب و کتب

حکایت

منه و... کرده
عبارت از دندان
باز بوده بید
کاماً اللؤلؤ المکبوت فی صدق

۲۱
کاماً کو...
الصدق غلظت و...
نفسم کردن
از کان نطق و...
نطق است و از...
در مای تازه...
از کلام معجز...
حاصل معنی...
بجودنی...

از دو معدن یک...
در کانون در صدق دندان
من معزنی منطوقه و مبشیم

کمان کو...
در حالتی که...
ویدی...
بان کرب...
جان بود...

کاتبه و هو فردی...
در زیر خود

يَسْمَعُ وَبَارِقَةٌ اَلْاِنْدَارِ لَدَتْشِم

Handwritten marginal notes in the top right corner, including the word 'بَارِقَةٌ'.

مِنْ بَعْدِ مَا خَبَرَ اَلْاَقْرَامَ كَاهِنَهُمْ

Handwritten marginal notes in the middle right area, including the word 'بَارِقَةٌ'.

Handwritten marginal notes in the bottom left area, including the word 'بَارِقَةٌ'.

بَارِقَةٌ اَلْمَقْوَجُ لَدَيْتُمْ

بَارِقَةٌ

Handwritten marginal notes in the bottom right area, including the word 'بَارِقَةٌ'.

مِنَ الشَّيَاطِينِ يَفْقَهُوا الرُّمُوزَ مِنْهُم

از زبان شیاطین است که از زبان ایشان
فهم می کنند و رمزها را از زبان ایشان
فهم می کنند و رمزها را از زبان ایشان

كَانَهُمْ هَرَبًا بِأَبْطَالِ إِبْرَاهِيمَ

که ایشان را از جانب ابراهیم
فرستادند و از جانب ابراهیم
فرستادند و از جانب ابراهیم

أَوْ عَسْكَرٍ بِالْحَصِيِّ مِنَ رِاحَتِهِمْ

یا از جانب ابراهیم
فرستادند و از جانب ابراهیم
فرستادند و از جانب ابراهیم

که اینها را از جانب ابراهیم
فرستادند و از جانب ابراهیم
فرستادند و از جانب ابراهیم

بیشتر

بفتح و خان
آن در یک خط بود وقت
بگفتند و جواب بود وقت
تقدیرهاست پس بد آن وقت در زمانی که
توجهت را در آن خط کشیده بود
از اینجا خود در آن خط کشیده بود
که نوشته بود تا از آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود

۵۲

در آن حال که در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود

مستقی اليه علي سائر يدك قدم

خاستی آن وقت خط
سید بنی
سید بنی

کاتما سطر سطر اید کتبت

الحام
بفتح و خان
آن در یک خط بود وقت
بگفتند و جواب بود وقت
تقدیرهاست پس بد آن وقت در زمانی که
توجهت را در آن خط کشیده بود
از اینجا خود در آن خط کشیده بود
که نوشته بود تا از آن خط کشیده بود
و در آن خط کشیده بود

در آن وقت از خط
سید بنی
سید بنی
سید بنی
سید بنی
سید بنی
سید بنی
سید بنی
سید بنی
سید بنی

نرو عها من بدیع الخط في اللقم

باللقم
باللقم
باللقم

مشق

نعم
سائره

من قلبه نسبة مبرورة القسم
 من قلبه نسبة مبرورة القسم
 من قلبه نسبة مبرورة القسم
 من قلبه نسبة مبرورة القسم

وما حوى الغار من خير ومن كرم
 وما حوى الغار من خير ومن كرم
 وما حوى الغار من خير ومن كرم
 وما حوى الغار من خير ومن كرم

الغار من خير ومن كرم
 الغار من خير ومن كرم
 الغار من خير ومن كرم
 الغار من خير ومن كرم

وكل طرف من الكفار عنه عدي
 وكل طرف من الكفار عنه عدي
 وكل طرف من الكفار عنه عدي
 وكل طرف من الكفار عنه عدي

فالتصديق

۵۵

جود عبادت از اذن
با برکت علی بن ابی طالب
در اوصاف کلمات از
ابو بکر صیقلی از نظر
در یاد زنده در نظر
چشمی

فَالصِّدْقُ فِي الْغَايَةِ وَالصِّدْقُ لَدَيْهَا

وَالصِّدْقُ لَدَيْهَا
جود از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات

وَهُمْ يَقُولُونَ مَا بِالْغَايَةِ أَرْمَ

وزن
کام

از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات

کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات

ظَنُّوا لِلْحَمَامِ وَظَنُّوا الْعَيْنُ كُوتِ عَلَا

از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات

از نظر کلمات
از نظر کلمات
از نظر کلمات

۵۸

فليس ينكر فيه حال محتمل
فان قيل قد يقال ان قوله
فليس ينكر فيه حال محتمل
هو من جنس قوله فليس ينكر فيه حال محتمل
فان قيل قد يقال ان قوله
فليس ينكر فيه حال محتمل
هو من جنس قوله فليس ينكر فيه حال محتمل

باز از آنکه اینها در تمام کتب معتبره
و در کتب معتبره در تمام کتب معتبره
و در کتب معتبره در تمام کتب معتبره
و در کتب معتبره در تمام کتب معتبره
و در کتب معتبره در تمام کتب معتبره
و در کتب معتبره در تمام کتب معتبره
و در کتب معتبره در تمام کتب معتبره
و در کتب معتبره در تمام کتب معتبره

بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ

بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ
بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ
بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ
بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ
بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ
بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ
بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ
بَارَكَ اللهُ مَا وَحَىٰ بِمِكْتَسَبِ

وَلَا نَبِيَّ إِلَّا عَلِيٌّ غَيْبٌ مِّنْهُمْ
وَلَا نَبِيَّ إِلَّا عَلِيٌّ غَيْبٌ مِّنْهُمْ
وَلَا نَبِيَّ إِلَّا عَلِيٌّ غَيْبٌ مِّنْهُمْ
وَلَا نَبِيَّ إِلَّا عَلِيٌّ غَيْبٌ مِّنْهُمْ
وَلَا نَبِيَّ إِلَّا عَلِيٌّ غَيْبٌ مِّنْهُمْ
وَلَا نَبِيَّ إِلَّا عَلِيٌّ غَيْبٌ مِّنْهُمْ
وَلَا نَبِيَّ إِلَّا عَلِيٌّ غَيْبٌ مِّنْهُمْ
وَلَا نَبِيَّ إِلَّا عَلِيٌّ غَيْبٌ مِّنْهُمْ

سوره

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

59

كُنْ أَبْرَارًا وَصِيًّا بِاللَّيْسِ أَحْتَهُ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وَصِيًّا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وَأَطَلَّتْ أَرْبَابٌ مِنْ رِبْقَةِ اللَّيْمِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وَإِخْتِ السَّنَةِ الشَّهْبَاءِ دَعْوَتُهُ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

۴۳

آن است که وصف
آن سخن را نامی است
درست دراز
حفت و من حلال
باز آن که بوی
ایات حنیف من الرحمن محمد نده

آن است که وصف
آن سخن را نامی است
درست دراز
حفت و من حلال
باز آن که بوی
ایات حنیف من الرحمن محمد نده

قدیمه صفة الموصوف بالقدم
و صفت بر صفت کس
که صفت بصفات قدوم چون او
توسیع صفات ازین قدیم
توسیع صفات ازین قدیم
آن وقت بود آن وصف موصوف قدوم

بالقدم

لقد تفتت بر زمان وهي حنونا
آن آیت آیت است که بوی نامی است
بغیر از زمان و مکان نزهت جوار قدیم است
و متنوع است بزبان و الالام که بوی است
آیات باقیم زمان و هم در می است
حال آنکه خبر بیدار بار

و از آن نام بوی است که بوی نامی است
و از آن نام بوی است که بوی نامی است
و از آن نام بوی است که بوی نامی است
و از آن نام بوی است که بوی نامی است

از حال و از حال نمود
و در هم نغم از زبان که نشسته
و امور از او که آینه
تو متقن نام بود و ایما
از معاد و جز از عا و ارم

عَنِ الْمَعَادِ وَعَنْ عَادٍ وَعَنْ إِرْفَافٍ

این معنی آن آیه است
دَامَتْ لَدَيْنَا فَنَاقَتْ كُلَّ مَعْرَظَةٍ

کلمه

ادوات هم
له نماز و کبریا القافی
فاتی که در الامور
جواب آن

از معنی آن که هر چه
از معنی آن که هر چه
از معنی آن که هر چه
از معنی آن که هر چه

مِنَ النَّبِيِّ إِذْ جَاءَتْ وَكَتَلُمُ

عنه

۴۱

حکمات فیما یبقی من شب
 و حکمات فیما یبقی من شب
 و حکمات فیما یبقی من شب
 و حکمات فیما یبقی من شب

حکمات فیما یبقی من شب
 حکمات فیما یبقی من شب
 حکمات فیما یبقی من شب
 حکمات فیما یبقی من شب

لذي شقان ولا یبعین من شب
 لذي شقان ولا یبعین من شب
 لذي شقان ولا یبعین من شب
 لذي شقان ولا یبعین من شب

حکما

المعنی معارفه
 المعنی معارفه
 المعنی معارفه

الاعاد
 الاعاد
 الاعاد

ما حوریهب قط الاعاد من حوریهب

۴۱

و یقولون بیکدیگر و بگویند که این
بسیار است و از آن است که
و در آن است که
و در آن است که

بسیار است و از آن است که
و در آن است که
و در آن است که

و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام

و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام
و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام

و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام
و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام

قَرَّبْتُ بِهَا عَيْنِي قَارِيهَا فَقُلْتُ لَهُ

و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام
و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام
و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام
و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام

و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام
و لا تشاء علی الاکثار بالسّلام

لَقَدْ ظَفَرْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ فَأَعْتَمِ

اللعن اذ غاب ان كان في قرآن الربيع
زكريا بن يحيى

٤٩

ان تلتها خيفة من حنار لظي

التلاوة حوزن
الحيفة سيد العجا

ورد ان اب
اللعن اذ غاب ان كان في قرآن الربيع
زكريا بن يحيى
سعد بن مسعود
ورد في نسخة
ورد في نسخة
ورد في نسخة
ورد في نسخة

اطفات حر لظي اسودها الشيم

الاطفي
الورد والمورد
الشيم
الشيم

اللعن اذ غاب ان كان في قرآن الربيع
زكريا بن يحيى
سعد بن مسعود

كانها الحوض تبصر الوجوه به

كانها
الوجوه تبصر الوجوه به

منه وهو العظم
والعظم من العظم
والعظم من العظم
والعظم من العظم

٤٣

وَمَنْ هُوَ آيَةُ الْكُفْرِ بِرَبِّهِ الْمُعْتَبِرِ

العظم والعظم
العظم والعظم

العظم والعظم
العظم والعظم

والعظم من العظم
والعظم من العظم
والعظم من العظم
والعظم من العظم

وَمَنْ هُوَ النُّعْمَةُ الْعُظْمَى الْمُعْتَبِرِ

العظم والعظم
العظم والعظم

العظم والعظم
العظم والعظم

العظم

منه وهو العظم
والعظم من العظم
والعظم من العظم
والعظم من العظم

سَمَّيْتُ مِنْ حَرَمٍ لِنَدَا إِلَى حَرَمٍ

بیت شریفی از جمله در کتب مشهور
یعنی آنچه که در تواتر است
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت

بیت شریفی

بیت شریفی از جمله در کتب مشهور
یعنی آنچه که در تواتر است
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت

بیت شریفی از جمله در کتب مشهور
یعنی آنچه که در تواتر است
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت

وَبِئْتِ رَبِّي إِلَىٰ الْإِنكِنَاثِ مَنزِلَهُ

بیت شریفی از جمله در کتب مشهور
یعنی آنچه که در تواتر است
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت

بیت شریفی از جمله در کتب مشهور
یعنی آنچه که در تواتر است
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت

بیت شریفی از جمله در کتب مشهور
یعنی آنچه که در تواتر است
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت

مِنْ قَابِ قَوْسَيْنِ أَمْ تَدْرِكُ وَلَمْ تُرْمِ

بیت شریفی از جمله در کتب مشهور
یعنی آنچه که در تواتر است
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت

بیت شریفی از جمله در کتب مشهور
یعنی آنچه که در تواتر است
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت
و در کتب معتبره و مشهور
از سیرت و اعلام و شریعت

شکریه در منزل در بیست و هفت روز
در بیست و هفت روز

۲۵

وَقَدْ مَتَّكَ جَمِيعُ الرِّبِّيَّاءِ بِهَا

التقديم
للجميع من الربيات

آن وقت در بیست و هفت روز
در بیست و هفت روز
وَالرُّسُلُ تَقْدِيرُهُمْ عَلَى خَدَمِهِمْ

الوصول
که رسالت
بی آنکه او را کتب می بود

المنع در میان انبیاء
و این قطع است

وَأَنْتَ تَخْتَرُ السَّبْعَ الطِّبَّاقَ بِهِمْ

تختیر
السبع الطباق

در بیان آنکه در این کتاب
بسیار از کتب دیگر است
که در آنجا که در این کتاب
نویسندگان و نویسندگان
در روی کاغذ این بوده است

فِي مَرْكَبٍ كُنْتَ فِيهِ صَاحِبَ الْعِلْمِ

طریقت سوره که در این کتاب
نویسندگان و نویسندگان
در روی کاغذ این بوده است

در بیان آنکه در این کتاب
بسیار از کتب دیگر است
که در آنجا که در این کتاب
نویسندگان و نویسندگان
در روی کاغذ این بوده است

حَتَّى إِذَا لَدَتْكَ شَأْنٌ مِّنَ الْمُسْتَقِيمِ

در بیان آنکه در این کتاب
بسیار از کتب دیگر است
که در آنجا که در این کتاب
نویسندگان و نویسندگان
در روی کاغذ این بوده است

در بیان آنکه در این کتاب
بسیار از کتب دیگر است
که در آنجا که در این کتاب
نویسندگان و نویسندگان
در روی کاغذ این بوده است

مِنَ الدُّنْيَا وَلَا يَمُرُّ بِالْمُسْتَقِيمِ

مختصر

در بیان آنکه در این کتاب
بسیار از کتب دیگر است
که در آنجا که در این کتاب
نویسندگان و نویسندگان
در روی کاغذ این بوده است

سید محمد کوثری لاری سوان
خبر پیر کربان از شش تنگ
از فضایل کلمات است
و یکس در زبان طلوع

۷۶

بسم الله الرحمن الرحیم

فُجِرَتْ كُلُّ الْفَخْرِ غَيْرِ مُشْرَكٍ

بسم الله الرحمن الرحیم

و در کتب شیخ از صفای بر وقت
در باب بیست و نهم از صفای
در باب بیست و نهم از صفای
در باب بیست و نهم از صفای

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

وَجُرَتْ كُلُّ مَقَامٍ غَيْرِ مُرْحَمٍ

بسم الله الرحمن الرحیم

المنع بکتاب فتوح صدره الخاقانی
و حکم در اندیشه آه از مشهور

وَجَلَّ مَقْدَامًا وَلَيْتَ مِنْ حُرَّتِ

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

وعدا

وَعَزَّادِرَاكُ مَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعْمٍ
مَنْ بَرَّكَتِ الْخُدَادَاتُ فَضْلُ وَهَبَتْ لِي
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْعَزْمَاتُ لِي
عَزْمَاتُ رَاكِبِي

رَاكِبِي
نِعْمٍ

مَعْتَرِي
الشَّارِقَةُ مَرْوَةَ الْمُعْتَرِي

العائش جمع الغاية

الدَّكْنُ
الْمَقْدَامُ وَرَأْسُ الشَّيْءِ

بُشْرِي لَنَا مَعْتَرِي لِاسْتِدْرَامِ إِنْ لَنَا

بُشْرِي لَنَا مَعْتَرِي لِاسْتِدْرَامِ إِنْ لَنَا
بُشْرِي لَنَا مَعْتَرِي لِاسْتِدْرَامِ إِنْ لَنَا

مِنَ الْعِنَايَةِ رُكْنَا غَيْرَ مِنْهُمْ

خاندان ارازمی
عاشقانه

لَمَّا دَعَى اللَّهُ دَاعِيَنا الطَّاعَةِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
يا كَرِيمِ الرَّسُولِ كُنَّا كَرِيمِ الْأُمَمِ

عاشقانه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

رَاعَتْ قُلُوبَ الْعِدِيِّ أَنْبَاءَ بَعْثَتِهِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

عاشور ماه بودی آن شب چهار خلیفه بنی عباس
در آن ماه هفتاد و یک روز است که در آن روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار در آن ماه هفتاد و یک روز است که در آن روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز

ماله تکلن من لیلی الی الشهر الحرام
بسیار بی بدشتی و از آن استی عدد در روز اما چون نبودی از شب ماه حرم

الکون نبودن
الاجسام ماه که در آن است
الاشهر الحرام
در آن ماه هفتاد و یک روز است

در این ماه هفتاد و یک روز است
بسیار از آن ماه از اقبال این روز

لذا لویه اسرجه امه بر آینه هجره
اسرجه امه بر آینه هجره
اسرجه امه بر آینه هجره
اسرجه امه بر آینه هجره
اسرجه امه بر آینه هجره

کاتما الدیر ضیف حل ساحتهم
بسیار

بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز

بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز

بکل قوم الی الحزم العذی فم
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز
بسیار از آن ماه از اقبال این روز

المحارث در المطا و الاطماج الا نظام

السلامة والبرهان

البرهان كمنه دعوة حق را چشمه داره و نه مرزوارا

مِنْ كُلِّ مَشَدِّبٍ لِلَّهِ مُحَسِّبٌ

الحسن بن محمد

يقال تدبره فاشدب و وعاله فاجاب

البرهان كمنه دعوة حق را چشمه داره و نه مرزوارا

الحسن بن محمد

٦٣

يسطر ايسطر الكفر مضطلم
البرهان كمنه دعوة حق را چشمه داره و نه مرزوارا

السطوة بعنف
الاستيصال
والاضطلال

البرهان كمنه دعوة حق را چشمه داره و نه مرزوارا

حاشي غدت ميلة الاسلام وهي هم

صف ما غدت اذا فعلنا فاضفة

البرهان كمنه دعوة حق را چشمه داره و نه مرزوارا

البرهان كمنه دعوة حق را چشمه داره و نه مرزوارا

من بعد غربتهم موصولة الرحم

تقريبه لسلامه اني له دين داره و نه مرزوارا

البرهان كمنه دعوة حق را چشمه داره و نه مرزوارا

که چه بدو داد از ایشان در هر سو که بخواهد
 با یکدیگر در وقت که وقت بیرون از آن است که در آن
 و استغاثت صلواتی که با او بود اندر روز از آن
 که بگوید آنچه بگوید از آن روز
 ما ذارای من هم فی کل مضطدم
 و نیکوگاه

بسیار است
 که در آن روز
 که در آن روز
 که در آن روز

اللهم و بیس ای غایب از مواضع جنگ
 که چنین بدو را تعذر است
 اُحدا
 و سل حنیفا و سل بدرا و سل

بجای آن که در وقت که در آن روز از او با ما چون بود
 آنچه که در آن روز از او با ما چون بود
 که در آن روز از او با ما چون بود
 که در آن روز از او با ما چون بود
 فیصول حنیف هم اذ هی من الوخم
 و نیکوگاه

بسیار است
 که در آن روز
 که در آن روز
 که در آن روز

للقدر

الوخم

همه

زینب خطار اقا باستان در کلاس
سیدان در جهت حکم بنی عثمان
کوی در جهت سیدان عثمان در کلاس
سیدان در جهت سیدان عثمان در کلاس

من شدت الحرف لا من شدت الخيم

در جهت سیدان عثمان

در جهت سیدان عثمان

در جهت سیدان عثمان

در جهت سیدان عثمان

المن به بولای عثمان دین از
چون خوبی که با شکی است
آن وقت از سخن دیگر کرد
با در حالی که حاصل بود
آن وقت از سخن دیگر کرد

طارت قلوب العدي من بانهم فرقا

در جهت سیدان عثمان

در جهت سیدان عثمان

در جهت سیدان عثمان

از از زکریا

عنا بقرن یکدیگر در عثمان میان
کجای از میان دلاوران لغت بود
در نظر ایشان من میگویند از آنکه
ما میگویند که سیدان عثمان در کلاس
چون از آن وقت که عثمان در کلاس

فما تقرت بين البهيم والبهيم

در جهت سیدان عثمان

در جهت سیدان عثمان

در جهت سیدان عثمان

و کلا

۹۲

۹۱

دانش آید و با او فرزند
علیه السلام
بنامش در میان
مطهر و مقدس
و مغرب
هم می باشد

بِهْ وَ لَا مِنْ عَدُوِّ عَيْرٍ مُنْقِصٍ

دانش آید و با او فرزند
علیه السلام
بنامش در میان
مطهر و مقدس
و مغرب
هم می باشد

خود را
علیه السلام
صالحی است
خود در عالمی
در صحرای حکمت

أَحَلَّ أُمَّتَهُ فِي حَرْزِ مِلَّتِهِ

دانش آید و با او فرزند
علیه السلام
بنامش در میان
مطهر و مقدس
و مغرب
هم می باشد

دانش آید و با او فرزند
علیه السلام
بنامش در میان
مطهر و مقدس
و مغرب
هم می باشد

كَاللَّيْتِ حَلَّ مَعَ الْأَشْيَالِ فِي إِجْمَعِ

دانش آید و با او فرزند
علیه السلام
بنامش در میان
مطهر و مقدس
و مغرب
هم می باشد

کامل

۱۴۶

۹۳

الفتح بستان من اوقات كلامه يعني
قرآن في اوقات يومه صلى الله عليه وسلم
تثبت بود

كَلِمَاتٍ كَلِمَاتٍ اللّٰهِ مِنْ جَدَلٍ

عمر حیدر التجدی در این کتب
مؤید است العدل والجدل
الکلیه سنن العدل
الجدل کبریم حضرت

و بک غایت در این اوقات او در خصم
شود که با قرآن بگوید که
سنت که در کتابان است

البرهان محبت پذیر کردن
البراهین صحیح

فِيهِ وَكَيْفَ خِصَمِ الْبُرْهَانِ مِنْ خِصَمِ

ما به برهان است ملامت

مِنْ خِصَمِ
البرهان صحیح

الفتح بستان من اوقات او در خصم
علم که او را حاصل بود

الکفایه بینه کردن
الامنی با خواننده و از بینه و کفایت با قرآن گویند
برین علم کتابت از کسی بود و مسلمی الله علیه وسلم

كُنَّاكَ بِالْعِلْمِ فِي الْاُمِّيِّ مُعْجِزَةً

العلمه و این

المنع زياره مشهوره صحت اهل ذمما كردن
از اخصها آنچه را عاقبت آن جا بيايد

۹۵

48

التقليد در كردن كارهاست
الحشيد شسين العاقبه انعام

اِذْ قُلِّدَ اِنِّي مَا تَحْتَشِي عَوَاقِبُهُ

كوتبا كوتبا بن قاده بقول كاه مبروم
بچه خنده نشد كه موجب وبال بود در عاقبت بسبب اهل ذمما كردن
و سبب اخذت صلي الله عليه وسلم نمودم همان بود
خات ياد نو كرده اند در كردن اعصاب در ششم
از كوفه موف نشد در گفتن سوره فوم

الهدى ايجوبيا نشد

كَانَتْنِي بِهِمَا هَدِيٍّ مِّنَ النَّعْمِ

النعم جبار الانعام

النعم

المنع زمان بار كردم غم و پيام
كودكي را در حالت اشتغال
بشود صحت اهل ذمما

الاطاعه زمان بار كردن

النعم كذا هو الصبا كودكي

اَطَعْتُ غِيَّ الصِّبَا فِي الْحَالِ تَبْرُومًا

و حاصل کردیم از آن که هر یک از اینها
در وقت غرض خود در این وقت اول اینها وقت
و در وقت غرض خود در این وقت اول اینها وقت
و در وقت غرض خود در این وقت اول اینها وقت

حَصَلْتُ الْاَعْلَى الْاَتَامِ وَالنَّدَمِ

الاصول من زمانه

تاریخ

تاریخ

و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت

فِي اخْسَارَةِ نَفْسِي فِي تَجَارِقِهَا

و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت

لَمْ تَشْرِكْ لِدِينِي بِالْاَدْنَى وَالنَّدَمِ

و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت
و حضرت شادای حضرت

تاریخ

تاریخ

تاریخ

۴۹

۹۷

عبارت از ذوق بیخ حالی دنیا
یا بیخ حالی خود را

وَمَنْ يَبِغْ أَجَلَ مِثْلِهِ بِعَاجِلِهِ
هر که در ذوق آبل خورد که عبارت از آخرت و عقیقت است بن جل خویش که
عبارت از دنیای فانی باشد ص ۱۰۱

عبارت از ذوق بیخ حالی دنیا
یا بیخ حالی خود را
عبارت از ذوق بیخ حالی دنیا
یا بیخ حالی خود را

يَبْئُرُ لَهُ الْغَيْبُ فِي يَبِغْ وَفِي سَلِيمٍ
ص ۱۰۱ ظاهر شود مراد از غیب در بیخ که عبارت از آنقدر بقدر باشد و در سلم که
عبارت از آنقدر بر نیاید باشد

عبارت از ذوق بیخ حالی دنیا
یا بیخ حالی خود را

إِنْ أَتِ دَنْبًا فَعَمْدِي بِمُتَّقِصٍ
عبارت

در ذرات ثقات
در ذرات ثقات

ان لدریک فی معادی اخذ ابید

فضل کرم خود تفضل عهدهمان خود
سوی در شان من که ای قلم خاکی
مع این حضورت و تقدیر ان الی غیره
بعضی از اینها در کتب قدیمه
در شان من که ای قلم خاکی
بعضی از اینها در کتب قدیمه
در شان من که ای قلم خاکی
بعضی از اینها در کتب قدیمه

فصل اول فی زلزله القدم
چون نضرت در قیامت است که خورم در کبر و دای بر من چون بلوغم قدم

حاشا و خلا و علی
بعضی از اینها در کتب قدیمه
در شان من که ای قلم خاکی
بعضی از اینها در کتب قدیمه
در شان من که ای قلم خاکی
بعضی از اینها در کتب قدیمه

در وقت از این که بخت صلی الله علیه و سلم
که خود بود امیر از کرم او

حاشا ان یجرم الراجی مکارمه

بعضی از اینها در کتب قدیمه
در شان من که ای قلم خاکی
بعضی از اینها در کتب قدیمه
در شان من که ای قلم خاکی

بدون آنجا از کوهن تعبیر آن
درست یعنی محتاج است مع آنکه معلوم
در آنجا اولیاد و اولیاد آنرا
مخص محتاج را

البته قوت یکدیگر
است

۱۰۱

وَلَكِنْ يَفُوتُ الْغَنِيَّ مِنْهُ يَدًا تَزِيَّتُ

القوت در کس
تزیت
عطا
الغنی تزیی

که بران مریه باشد که در دستها
از این در محتاج قوت بیشتر
از این در محتاج قوت بیشتر
و این را به کوهن دانند و کوهن
عطای آنحضرت است

أَنَّ الْحَيَاءُ يَنْبِتُ الْأَزْهَارَ فِي الْأَكْثَمِ

دست درویش از غنا و نمیشد جایگزین
را که بران جمله مریه باشد بهر آنکه

الغیا به کوهن را زنده کند
الانبات روایتین
الاکم زینت اکام

و کوهن نمیشد
قوت درویش است آنرا

وَلَمَّا رَدَّ زَهْرَةَ الدُّنْيَا الَّتِي قَطَعَتْ

الامارة تزیین الزهرا کوهن
زهرة الدنيا زینت و عطای
القطف و الامتطاف جدید بود

۵۱
۱۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي بعثه في
أفضل الأوقات
على خير الأمة
التي هي خير الأمم
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
خاتم الأنبياء
والمرسلين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيد المرسلين
والأنبياء
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيدنا محمد

دردست خطی است که در آن مسکوت است
سنة ۱۰۲۰ در عهد سلطنت
محمّد زکریا و محمد زین العابدین
عطا بن یونس و یحییٰ بن زکریا
و یونس بن یحییٰ بن زکریا
از نویسندگان

يَا ذَاهِبِ بِمَا آتَيْتَنِي عَلَيَّ هَرَمٌ

من نخواستم بهار و مال دنیا چون پیر کان بچیده دست او چون گفت او در هر

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي بعثه في
أفضل الأوقات
على خير الأمة
التي هي خير الأمم
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
خاتم الأنبياء
والمرسلين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيد المرسلين
والأنبياء
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيدنا محمد

ای کرامتین صفتی
نیست در کسی که نبی است

يَا كَرَمَ الْخَلْقِ مَا لِي مِنْ الْوَدُوبِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي بعثه في
أفضل الأوقات
على خير الأمة
التي هي خير الأمم
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
خاتم الأنبياء
والمرسلين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيد المرسلين
والأنبياء
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيدنا محمد

سِوَاكَ عِنْدَ حُلُولِ الْحَدِيثِ الْعَمِيمِ

و ب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وعلى آل محمد
الذين هم خير البرية
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي بعثه في
أفضل الأوقات
على خير الأمة
التي هي خير الأمم
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
خاتم الأنبياء
والمرسلين
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيد المرسلين
والأنبياء
اللهم صل على
سيدنا محمد
الذي جعله الله
سيدنا محمد

مجموعه کتب خطی
شماره ۱۰۲

و از علم تو علمم و تو علمم را از من
باز داشتی و از منم را از تو
باز داشتی و منم را از تو باز داشتی

وَمِنْ عُلُومِكَ عَلَّمَكَ اللُّوحَ وَالْقَلَمَ

شسته را خود تو دنیا بود با خودت و علمت در دو عالم علم است و علم

تو علمم را از من باز داشتی
و منم را از تو باز داشتی
و از علم تو علمم را از من باز داشتی

و از علم تو علمم را از من باز داشتی

مجموعه کتب خطی
شماره ۱۰۲

يَا نَفْسُ لَا تَقْطِعي مِنْ دَلِيلِ عِظَمَتِ

و از علم تو علمم را از من باز داشتی
و منم را از تو باز داشتی
و از علم تو علمم را از من باز داشتی

إِنَّ الْعِبْرَةَ لَآيَةٌ لِلْعَفْرَانِ كَاللَّيْلِ

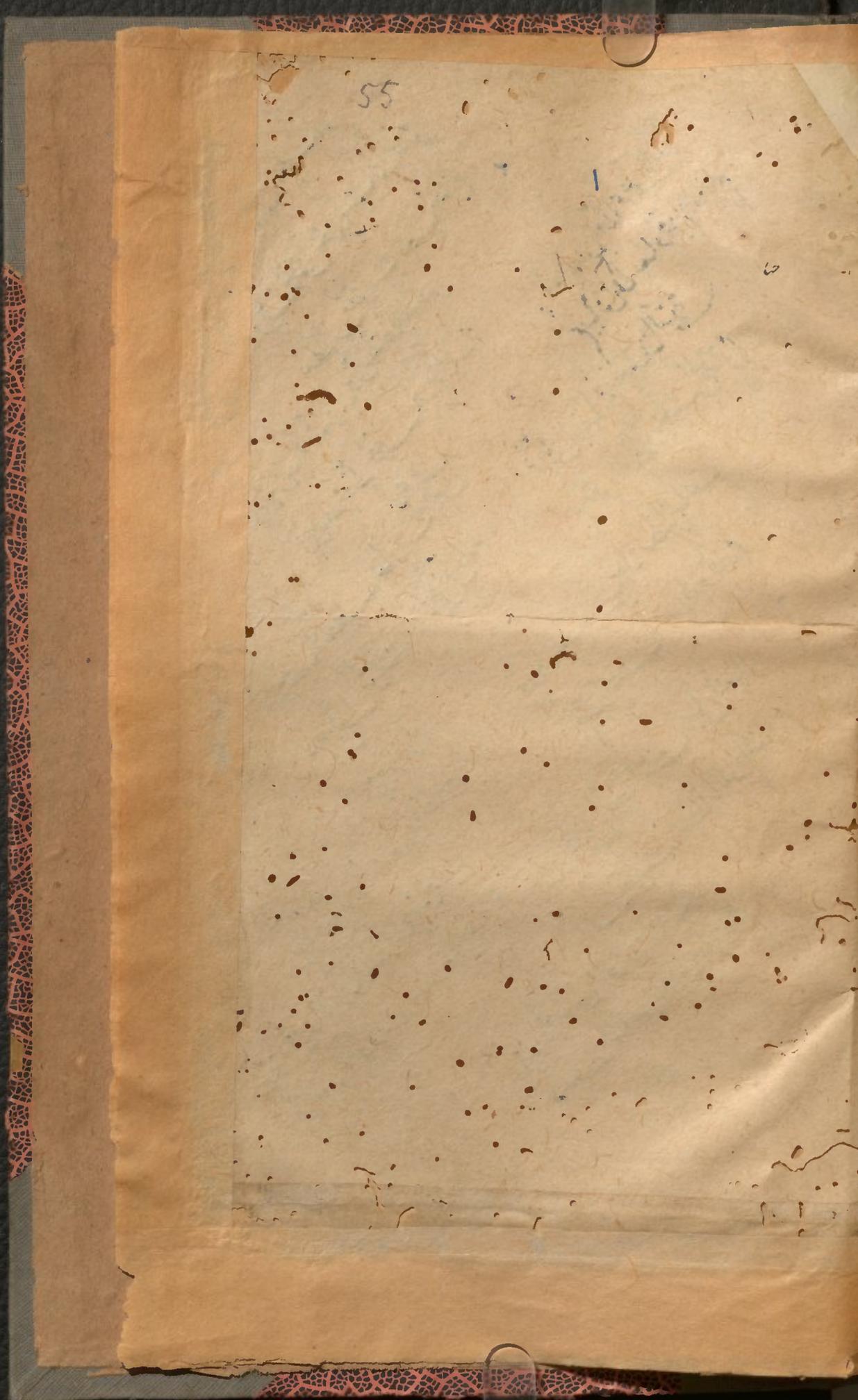
الغفران که از این گناه اللعوانه

هو

این بزرگترین گناه است که در این موعظه
درم این موعظه و اگر کسی از این موعظه بگذرد

55

Handwritten text, possibly bleed-through from the reverse side of the page. The text is faint and illegible due to fading and the texture of the paper.



56

بیت
فما التمسكنا شجرا وما اعلمك
مدينتي قنلى وقلظرت ليد



